

کد کنترل

322

F



322F

آزمون (نیمه‌متمرکز) ورود به دوره‌های دکتری - سال ۱۴۰۲

دفترچه شماره (۱)

صبح پنج‌شنبه
۱۴۰۱/۱۲/۱۱

«اگر دانشگاه اصلاح شود مملکت اصلاح می‌شود.»
امام خمینی (ره)



جمهوری اسلامی ایران
وزارت علوم، تحقیقات و فناوری
سازمان سنجش آموزش کشور

فقه شافعی (کد ۲۱۳۴)

زمان پاسخ‌گویی: ۱۰۵ دقیقه

تعداد سؤال: ۸۰

عنوان مواد امتحانی، تعداد و شماره سؤالات

ردیف	مواد امتحانی	تعداد سؤال	از شماره	تا شماره
۱	مجموعه دروس تخصصی: - زبان عربی - فقه - اصول	۸۰	۱	۸۰

این آزمون نمره منفی دارد.

استفاده از ماشین حساب مجاز نیست.

حق چاپ، تکثیر و انتشار سؤالات به هر روش (الکترونیکی و...) پس از برگزاری آزمون، برای تمامی اشخاص حقیقی و حقوقی تنها با مجوز این سازمان مجاز می‌باشد و یا متخلفین برابر مقررات رفتار می‌شود

* داوطلب گرامی، عدم درج مشخصات و امضا در مندرجات جدول زیر، به منزله عدم حضور شما در جلسه آزمون است.

اینجانب با شماره داوطلبی با آگاهی کامل، یکسان بودن شماره سندلی خود با شماره داوطلبی مندرج در بالای کارت ورود به جلسه، بالای پاسخنامه و دفترچه سؤالات، نوع و کد کنترل درج شده بر روی جلد دفترچه سؤالات و پایین پاسخنامه ام را تأیید می‌نمایم.

امضا:

مجموعه دروس تخصصی (زبان عربی - فقه - اصول):

■ ■ عین الأنسب و الأدق في الجواب عن الترجمة أو التعريب أو المفهوم (۱-۸)

۱- ﴿أَيَحْسِبُونَ أَنَّ مَا نُؤَدِّهِمْ بِهِ مِنْ مَالٍ وَ بَنِينَ، يُسَارِعُ لَهُمْ فِي الْخَيْرَاتِ، بَلْ لَا يَشْعُرُونَ﴾:

(۱) آیا چنین می‌پندارند آنچه از اموال و پسران به آنها بخشیده‌ایم فقط برای اینست که در رساندن نیکیها بدانها شتاب ورزیم، درحالیکه آنان فهم آن را ندارند!

(۲) آیا چنین گمان می‌کنند ما فقط با مال و پسران بدانها مدد می‌رسانیم، تا درهای خیرات را بسرعت به روی آنان بگشائیم، و حال اینکه آنان نمی‌فهمند!

(۳) آیا گمان می‌کنند آنچه از اموال و فرزندان بدانها بخشیده‌ایم برای اینست که در رساندن نیکیها بدانها تعجیل کنیم، نه چنین است، بلکه آن را درک نمی‌کنند!

(۴) آیا می‌پندارند اینکه ما آنان را به مال و فرزندان مدد می‌نماییم، برای اینست که در خیرات برای آنها شتاب ورزیم، نه، آنان درک نمی‌کنند!

۲- «يَدْعِي بَزْعَمِهِ أَنَّهُ يَرْجُو اللَّهَ، كَذِبٌ وَ الْعَظِيمُ! مَا بَالُهُ لَا يَتَّبِعِينَ رَجَاؤَهُ فِي عَمَلِهِ؟ فَكُلُّ مَنْ رَجَا عُرْفَ رَجَاؤِهِ فِي عَمَلِهِ!»:

(۱) به گمان خود دعوی دارد که امیدش به خداوند است، به خدای بزرگ سوگند که دروغگو است! چرا امیدواری او در کردارش ناپدیدار است؟ هرکه امیدوار است امیدش در عملش آشکار است!

(۲) به ادعای خود امیدش فقط به الله است، به آنکه بزرگ است قسم که دروغ می‌یافتد! چه شده است که این امیدواری را در عمل نشان نمی‌دهد؟ آنکه امید داشته باشد این امید در عملش مشهود است!

(۳) به ظنّ خود ادعا دارد که به الله امیدوار است، قسم به آنکه عظیم است دروغ می‌یافتد! او را چه شده که امید خود را عملاً نشان نمی‌دهد؟ کسی که امیدی داشته باشد در کردار او هویدا خواهد شد!

(۴) به زعم خود ادعا می‌کند که به خداوند امیدوار است، سوگند به خدای با عظمت که دروغ می‌گوید! پس چرا امیدواری او در عملش به چشم نمی‌خورد؟ هرکس امیدی داشته باشد از عملش معلوم می‌شود!

۳- « قَوْمٌ إِذَا أَخَذُوا الْأَقْلَامَ مِنْ قَصَبٍ ثُمَّ اسْتَمَدُوا بِهَا مَاءَ الْمَنِيَّاتِ
نالوا بها من أعاديهم، و إن كثروا ما لا يُنال بحدّ المشرفيات! »:

- ۱) آنان قومی هستند که هرگاه از نی قلم‌ها بتراشند و آنگاه از شربت مرگ مرگب آنها را بسازند، با دشمنان خود، هر قدر زیاد باشند، آن کنند که بوسیله لبه تیز شمشیرها نتوان کرد!
- ۲) آن قوم اگر قلم‌هایی از نی در دست گیرند و با آب مرگ به مدد آنها بروند، با دشمن، هر چند با تعداد انبوه باشد، آن کنند که لبه‌های تیز شمشیرها نتوانند کرد!
- ۳) آن گروه وقتی قلم‌های خود را از نی نیزارها بتراشند و با آب آرزوها به کمک آنها بروند، دشمن را با وجود تعداد بی‌شمارش، با لبه تیز شمشیرها از پای درآورند!
- ۴) آنان گروهی هستند که چنانچه قلم‌هایی از نیزارها برگیرند و مرگب آنها را از شربت آرزوها بسازند، دشمنان خود را با وجود زیادی تعداد، به لبه تیز شمشیرها از پای درآورند!

۴- « ظَلَمَ لَذَا الْيَوْمِ وَصَفَّ قَبْلَ رُؤْيَتِهِ لَا يَصْدَقُ الْوَصْفُ حَتَّى يَصْدَقَ النَّظْرُ! »:

- ۱) وصف ماجرای روز، پیش از رؤیت آن ظلمی است در حق وصف اگر قبل از دیدن به توصیف بپردازد!
- ۲) ظلمی است در حق صاحب امروز اگر قبل از دیدن آن توصیف شود، زیرا وصف وقتی صادق است که مشاهده صادق باشد!
- ۳) توصیف امروز ظلم است در حق توصیف کردن ماقبل مشاهده، از آنجا که هر توصیفی وقتی صادق است که نظر صادق باشد!
- ۴) توصیف کردن ماجرای امروز قبل از مشاهده آن ظلم است در حق او، چه تا مشاهده و نظر درست نباشد وصف کردن صادق نیست!

۵- « كَانَتْ عَجَلَةَ الزَّمَنِ تَدُورُ فَإِذَا بَنَى نَرِي عَمْرًا يَتَصَرَّفُ بِلَادِ الرُّومِ فِي غَيْرِ مَوْقِعٍ، مَتَّخِذًا نَفْسَ الطَّرِيقَةِ الَّتِي شَقَّ
بِهَا طُورَ سَيْنَاءَ وَ دَخَلَ مِصْرَ! »:

- ۱) مدت زمانی سپری شد که عمر دیگر بار روم را به همان طریقه خود که قبلاً از صحرای سینا عبور کرده و وارد مصر شده بود، به تصرف خود درآورد!
- ۲) چرخ زمان می‌گشت تا اینکه عمرو را می‌بینیم که روم را به همان روش پیشین خود که صحرای سینا را پیموده و وارد مصر شد، تصرف کرد!
- ۳) چرخ زمانه می‌گشت که ناگهان عمرو را می‌بینیم که سرزمین روم را از چند موضع به‌همان شیوه‌ای که صحرای سینا را در نور دیده و وارد مصر شده بود، تصرف کرد!
- ۴) زمان بسرعت سپری می‌شد که عمر موفق شد با استفاده از طریقه قبلی خود در تصرف کشور مصر، با عبور از صحرای سینا روم را نیز تصرف کند!

- ۶- « قد تمّ الإعلان عن حكومة غير مكتملة الخميس الماضي، حيث لا تزال هناك مناصب وزارية مهمة شاغرة!»: (۱) این اعلامیه درباره دولت روز پنجشنبه گذشته به طور ناقص صادر شد به طوری که پست‌های مهم وزارتی آن هنوز خالی است!
- (۲) روز پنجشنبه گذشته از ترکیب ناتمام کابینه‌ای خبر داده شد که هنوز برخی پست‌های مهم وزارتی آن بدون متصدی است!
- (۳) در روز پنجشنبه گذشته که هنوز در مورد پست‌های مهم وزارتی اختلاف نظر وجود داشت، اعلام شد که کابینه‌ای با ترکیب ناتمام تشکیل شده است!
- (۴) اعلامیه‌ای که درباره دولت روز پنجشنبه گذشته صادر شد حاکی از این است که در مورد پست‌های مهم وزارتی هنوز اختلاف نظر موجود است!
- ۷- « ما مات منا سيّد حتف أنفه! ». مفهوم العبارة:
- (۱) إنّما أسیادنا یموتون فی فراش المرض!
- (۲) لم یمت أسیادنا إلاّ فی ساحة القتال!
- (۳) إنّما یموت سادتنا فی فراش المرض!
- (۴) لم یستول أحد علی سادتنا فی القتال!
- ۸- « او دانشنامه عظیم خود را براساس اسناد و مکاتبات بایگانی شده در دارالانشاء مصر تألیف کرده است»: (۱) موسوعته العظيمة قد ألفت علی ما حصل من الأسناد و المراسلات فی دار الإنشاء المصرية.
- (۲) إنّ دائرة المعارف الكبرى التي ألفتها كانت علی أساس محفوظات المراسلات فی دار الإنشاء المصرية.
- (۳) إنّّه قد اعتمد فی موسوعته الجليلة علی محفوظات دار الإنشاء المصرية من الوثائق و المراسلات.
- (۴) هو قد ألف دائرة المعارف جليلة علی ما كان محفوظاً فی دار الإنشاء المصرية من الوثائق و المكاتبات.

■ ■ عین المناسب للجواب عن التشکیل (۹)

۹- عین الخطأ:

- (۱) أيها الناس اتقوا الله، فما خلق امرؤ عبثاً فيلهو؛
- (۲) و لا ترك سدى فيلغو و ما دنياه التي تحسنت له بخلف من الآخرة؛
- (۳) التي فبحها سوء النظر عنده، و ما المعرور الذي ظفر من الدنيا؛
- (۴) بأعلى همته كالآخر الذي ظفر من الآخرة بأدنى سهمته!

■ ■ عَيْنِ الْخَطَأِ عَنِ الْإِعْرَابِ وَ التَّحْلِيلِ الصَّرْفِيِّ (١٠-١٢)

١٠ - ﴿ و اذْكَرْ فِي الْكِتَابِ مَرِيْمَ اِذْ اَنْتَبَذَتْ مِنْ اَهْلِهَا مَكَانًا شَرْقِيًّا ﴾:

(١) مكانًا: اسم جامد و مصدر ميمي - مفعول به منصوب لفعل « انتبذت » و منعوت للنعته « شرقياً »
 (٢) شرقياً: اسم منسوب و مؤول إلى المشتق (= منسوب إلى الشرق)، نعت مفرد حقيقي و منصوب بالتبعية
 للمنعوت «مكاناً»

(٣) إذ: اسم غير متصرف، ظرف للزمان و في محلّ نصب بدل اشتمال من المفعول به « مريم » و منصوب
 محلاً بالتبعية

(٤) انتبذت: فعل ماضٍ من باب افتعال، فاعله الضمير المستتر فيه جوازاً، و الجملة فعلية في محلّ جرّ،
 مضاف إليه

١١ - « و لَيْلٍ كَمَوْجِ الْبَحْرِ اُرْخَى سُدُولُهُ عَلَيَّ بِاَنْوَاعِ الْهَمُومِ لِيَبْتَلِيَّ »:

(١) أرخى: فعل ماضٍ من باب إفعال، و فاعله الضمير المستتر فيه جوازاً، و الجملة فعلية و حالية و في
 محلّ نصب

(٢) كموج: الكاف، اسم غير متصرف بمعنى « مثل » و نعت و مجرور محلاً بالتبعية للمنعوت « ليل »،
 و هو مؤول إلى المشتق (= مماثل)

(٣) ليل: اسم - مفرد مذكر - نكرة، مجرور في اللفظ بحرف « ربّ » الزائدة و المقدّرة في الواو، و مرفوع
 محلاً على أنّه مبتدأ

(٤) و ليلٍ: الواو واو « ربّ » حرف زائد، ليل: مبتدأ و مرفوع محلاً، و خبره جملة « أرخى ... » و الرابط
 ضمير الهاء في « سدوله »

١٢ - « إِنَّهُ أَلْفَى كَلِمَتَهُ أَمَامَ الْجُلُوسِ يَوْمَ الثَّلَاثَاءِ لَثْمَانِي لِيَالٍ مُضِيْنٍ مِنْ ذِي الْحِجَّةِ السَّنَةِ السَّتِيْنِ مِنَ الْهَجْرَةِ »:

(١) الستين: اسم من أعداد العقود الأصلية، جمع سالم للمذكّر بالإلحاق، معرب/ مضاف إليه و مجرور بالياء
 (٢) الجلوس: اسم، جمع تكسير أو مكسّر (مفردة: جالس، مذكّر)، معرّف بأل، منصرف / مضاف إليه
 و مجرور

(٣) ليالٍ: جمع مكسّر (بزيادة الياء على غير القياس)، معرب و منقوص و ممنوع من الصرف / تمييز
 مفرد و مجرور بالإضافة

(٤) ثمانى: من الأعداد المفردة الأصلية، مفرد مذكر (للمعدود المؤنّث) - منقوص - ممنوع من الصرف
 / مجرور بكسرة مقدّرة بحرف الجر

■ ■ عَيْنُ الْمُنَاسِبِ لِلْجَوَابِ عَنِ الْأَسْئَلَةِ التَّالِيَةِ (١٣-٢٠)

- ١٣- « فوالله ما أنسى قتيلاً رزئته / بجانب قُوسَى، ما بقيت على الأرض / على أنها تعفو الكلوم و إنما».
- عَيْنُ الصَّحِيحِ فِي مَعْنَى « على »:
- (١) الاستعلاء
(٢) التعليل كـ « اللام»
(٣) الاستدراك و الإضراب
(٤) الظرفية كـ « في»
- ١٤- عَيْنُ الْخَطَأِ: نقول العبارة
- (١) « قعدت قعوداً» لإزالة الريب في وقوع الفعل!
(٢) « قعدت قعدة» لمن يسأل عن كيفية القعود!
(٣) « قعدت قعدة» لمن يسأل عن دفعات وقوع الفعل!
(٤) « قعدت قعدتين» لإزالة الريب في وقوع الفعل!
- ١٥- عَيْنُ الْخَطَأِ فِي الْكُنَايَاتِ:
- (١) كأين من مشاكل عويصة تحلها الهمم العالية!
(٢) كانت لي بضعة دنانير فأعطيت زميلي عشرة منها!
(٣) أخذت تتباهى و تقول إنني طالعت حتى الآن كذا و كذا مقالة!
(٤) لما دخلت الصف وجدت فلانة و فلاناً قد سبقاني في الحضور!
- ١٦- عَيْنُ الْعِبَارَةِ الَّتِي لَمْ يَسْتَعْمَلْ فِيهَا ضَمِيرُ الشَّانِ:
- (١) إنَّ من يدعُ إلى الخير يجده!
(٢) و آخر دعواهم أن الحمد لله رب العالمين!
(٣) إعلم أن من يُبادرِ الصيد مع الفجر يقنص!
(٤) إن الحق لا يخفى على ذي بصيرة!
- ١٧- عَيْنُ الْخَطَأِ:
- (١) صبراً فينجحون في الحياة!
(٢) كأنك أمير فيجتمعوا حولك!
(٣) هلم إلى الخير فتجحوا في الدنيا!
(٤) ليسوا بظالم فيخافوا من ظلمهم!
- ١٨- عَيْنُ الصَّحِيحِ (فِي « أَيَّ »):
- (١) أخبرتك أي طالبين نجحاً!
(٢) جئت لأعلم أي كتاب اخترت!
(٣) أفرح حين أطلع أيهم هو ناجح!
(٤) أحب أن أعلم أي طلاب جاؤوا!
- ١٩- عَيْنُ الصَّحِيحِ فِي تَعْيِينِ عَامِلِ الْحَالِ:
- (١) ذلك أخوك عطوفاً. (ذلك « أشير »)
(٢) ما شأنك مجيباً؟! (محذوف جوازاً)
(٣) أجالساً و قد ذهب القافلة؟! (محذوف وجوباً)
(٤) هذا مقبل متأنياً. (هذا « أشير »)
- ٢٠- عَيْنُ الصَّحِيحِ:
- (١) نحن المعلمين و هذا فخر عظيم لنا!
(٢) نحن المعلمين نهتم بتربية الأجيال!
(٣) هؤلاء المعلمين ربوا جبلنا على الفضائل!
(٤) هم المعلمين بهم تقتدي الأمة في طريقها!

- ۲۱- کدام مورد درباره «مُحَدِّث»، درست است؟
 (۱) خواندن هیچ نمازی برای او جایز نیست.
 (۲) فقط خواندن نمازهای دارای رکوع و سجود بر او حرام است.
 (۳) سجده تلاوت برای او جایز اما سجده شکر بر او حرام است.
 (۴) سجده شکر برای او جایز اما سجده تلاوت بر او حرام است.
- ۲۲- سبب نهی از گزاردن نماز غیرذات سبب، پس از نماز عصر و زمان طلوع خورشید به ترتیب کدام است؟
 (۱) وقت - فعل نماز
 (۲) فعل نماز - وقت
 (۳) فعل نماز - فعل نماز
 (۴) وقت نماز - وقت نماز
- ۲۳- نماز در کدام مورد، درست است؟
 (۱) در حین نماز تردید کند آیا نمازش را ادامه دهد یا قطع کند.
 (۲) در نماز ظهر، با قلب، نیت نماز ظهر کند و با زبان نیت نماز عصر.
 (۳) وقت نیت نماز تصمیم بگیرد اگر گوشی‌اش زنگ بخورد نمازش را قطع کند.
 (۴) در حین نماز تصمیم بگیرد اگر زنگ خانه به صدا درآمد نمازش را قطع کند.
- ۲۴- کدام مورد شرط وجوب نماز جمعه به شمار نمی‌رود؟
 (۱) حرّیت (۲) ذکورت (۳) توطن (۴) استیطان
- ۲۵- فردی چهل رأس گوسفند در قالب «سلم» خریداری می‌کند و قبل از قبض، سال زکات آنها فرا می‌رسد. در این صورت حکم زکات این گوسفندان چگونه است؟
 (۱) زکات ندارند چون قابلیت نمو در آنها وجود ندارد.
 (۲) چون دین، به مرحله استقرار نرسیده، زکاتی بر او نیست.
 (۳) زکاتی به او تعلق نمی‌گیرد چون دین، مانع تعلق زکات است.
 (۴) باید زکات پرداخت کند چون از زمان مالکیت بر آنها یک سال گذشته است.
- ۲۶- حکم زکات میوه‌های باغی که بر فقرا وقف شده است، کدام است؟
 (۱) زکات به آن تعلق گرفته و به مصرف فقرا می‌رسد.
 (۲) زکاتی به آن تعلق نمی‌گیرد زیرا مالک معین ندارد.
 (۳) زکات به آن تعلق گرفته و به مصرف فقرا و مساکین می‌رسد.
 (۴) زکاتی به آن تعلق نمی‌گیرد زیرا با تقسیم آن بر تعداد فقرا به حد نصاب نمی‌رسد.
- ۲۷- زنی مسافر که به فرزندش شیر می‌دهد و روزه به خودش ضرری نمی‌رساند، چنانچه به نیت استفاده از «رخصت سفر»، روزه نگیرد، کدام حکم در مورد او صحیح است؟
 (۱) افطارش جایز است ولی فدیة بر او لازم است.
 (۲) افطارش جایز است و فدیة بر او لازم نمی‌آید.
 (۳) افطار او جایز نیست زیرا روزه، ضرری متوجه او نمی‌کند.
 (۴) افطار او جایز نیست چون رخصت ارضاع از رخصت روزه، ضعیف‌تر است.
- ۲۸- چنانچه مُحْرِم بداند اگر نماز عصرش را بخواند به «وقوف در عرفه» نخواهد رسید، در این صورت کدام مورد را باید انجام دهد؟
 (۱) نماز را به تأخیر اندازد و وقوف در عرفات را به جای آورد.
 (۲) نمازش را بخواند و فردی را برای وقوف در عرفه به نیابت بگیرد.
 (۳) با قیاس بر نماز خوف، در حال حرکت به سوی عرفات، نمازش را بخواند.
 (۴) به خاطر وجود ضرورت، نمازش را روی مرکب و در حال حرکت بخواند.

- ۲۹- اگر کسی از روی فراموشی از محل اعتکاف خارج شود، حکم اعتکافش کدام است؟
- (۱) اعتکاف مطلقاً باطل است.
 - (۲) صحیح است و تتابع قطع نمی‌شود.
 - (۳) اگر مدت خروج عرفاً کم باشد، صحیح است.
 - (۴) اگر اعتکاف، منذور باشد باطل، ولی اگر مستحب باشد، صحیح است.
- ۳۰- کدام مورد درباره «زمان قربانی کردن» درست است؟
- (۱) ذبح شبانه، مجزی نیست.
 - (۲) ذبح به هنگام شب، مکروه است.
 - (۳) شروع وقت قربانی، طلوع فجر روز عید است.
 - (۴) شروع وقت قربانی، طلوع خورشید روز عید است.
- ۳۱- بیع مبیع قبل از قبض، چه حکمی دارد؟
- (۱) اگر با اذن بایع اول باشد صحیح و گرنه باطل است.
 - (۲) اگر بایع، ثمن را قبض کرده باشد، صحیح و الا باطل است.
 - (۳) اگر مبیع، عقار باشد جایز و در غیر این صورت، باطل است.
 - (۴) مطلقاً باطل است.
- ۳۲- اگر محل نگهداری ودیعه دچار حریق شود و به دلیل اشتغال مودع به نجات اموال خود، ودیعه، تلف شود، چه حکمی به مودع تعلق می‌گیرد؟
- (۱) ضامن نیست چون نجات مال خودش مقدم است.
 - (۲) ضامن است چون ودیعه امانت است و او قصور کرده است.
 - (۳) ضامن نیست چون نجات مال خودش، در حکم نجات ودائع دیگران است.
 - (۴) ضامن است چون ودیعه امانت است و نجات ودیعه مقدم بر نجات مال خویش است.
- ۳۳- ضمان «مال الجعالة» قبل از فراغ از عمل، چه حکمی دارد؟
- (۱) جایز نیست چون آیل الی اللزوم نیست.
 - (۲) به دلیل لزوم دین بر عامل، ضمان آن جایز است.
 - (۳) جایز است زیرا با شروع عمل، آیل الی اللزوم شده است.
 - (۴) با این که آیل الی اللزوم است ولی ضمان آن به دلیل عدم استقرار صحیح نیست.
- ۳۴- فردی در حال صحت برای غیر وارث، اقرار می‌کند. در حالت مرض هم برای غیر وارثی دیگر اقرار می‌کند و دارایی او برای استیفای این دو دین، کافی نیست. در این صورت، حکم چیست؟
- (۱) اقرار صحت بر اقرار مرض، مقدم نمی‌شود.
 - (۲) اقرار صحت به دلیل قصد حرمان ورثه، مقدم می‌شود.
 - (۳) اگر اقرار مرض به عین باشد صحیح و اگر اقرار به دین باشد، باطل است.
 - (۴) اقرار مرض تا ثلث نافذ است و در این میزان با اقرار صحت هم مرتبه است.
- ۳۵- مشتری پس از خرید زمین مشترکی که حق شفعه در آن جریان دارد، آن را وقف مسجد می‌کند. در این خصوص کدام مورد درست است؟
- (۱) مشتری زمانی می‌تواند وقف کند که حق شفعه، ساقط شده باشد.
 - (۲) وقف، صحیح است و حق شفعه ساقط، چون وقف، عقد لازم است.
 - (۳) وقف، صحیح است و شفیع می‌تواند با استفاده از حق شفعه، آن را باطل کند.
 - (۴) اگر شفیع، غیرمسلمان باشد حق شفعه ساقط است چون وقف برای مسجد است.

- ۳۶- فردی برای یافتن ماشین گمشده‌اش جایزه تعیین می‌کند و سه نفر با تلاش مشترک آن را یافته و تحویل می‌دهند. در این خصوص کدام گزاره درست است؟
- (۱) در مال الجعل علی‌السویه، سهم هستند.
 - (۲) به تناسب تلاششان برای یافتن ماشین، سهم می‌شوند.
 - (۳) به تناسب میزان سهمشان در یافتن ماشین، سهم می‌شوند.
 - (۴) تعیین میزان سهم بر عهده جاعل است به شرط بهره‌مندی همه.
- ۳۷- وضعیت «عقد شرکت» از حیث «لزوم» و «جواز» چگونه است؟
- (۱) در شرکت عنان، جایز و در سایر شرکت‌ها، لازم است.
 - (۲) در شرکت عنان، لازم و در سایر شرکت‌ها، جایز است.
 - (۳) مطلقاً جایز‌الطرفین است.
 - (۴) مطلقاً لازم‌الطرفین است.
- ۳۸- حکم وصیت و هبه برای وارث، کدام است؟
- (۱) هیچ یک صحیح نیست.
 - (۲) هر دو صحیح ولی مشروط به اجازه ورثه است.
 - (۳) هبه صحیح است ولی صحت وصیت، مشروط به اجازه ورثه است.
 - (۴) هبه مطلقاً صحیح است ولی وصیت مشروط به اجازه ورثه و از یک سوم مال است.
- ۳۹- در مسئله زیر سهم «أخ لأب»، «بنت ابن» و «أخت شقیقة» به ترتیب چقدر است؟
- «ماتت عن: أم و بنت ابن و أخت شقیقة و أخ لأب و زوج و عم شقیق»
- (۱) $\frac{1}{6}$ ، $\frac{1}{6}$ ، $\frac{1}{2}$
 - (۲) عصبه، $\frac{1}{6}$ ، حجب می‌شود.
 - (۳) حجب می‌شود، $\frac{1}{2}$ ، عصبه
 - (۴) $\frac{2}{6}$ ، $\frac{1}{6}$ ، حجب بالاستغراق
- ۴۰- در مسئله زیر، کدام یک حجب بالاستغراق می‌شود؟
- «ماتت عن: جدة لأم و جدة لأب و أخت شقیقة و أخت لأب و عم شقیق و أخ لأم و زوج.»
- (۱) جدة لأب
 - (۲) أخت لأب
 - (۳) أخ لأم
 - (۴) عم شقیق
- ۴۱- حکم نکاحی که با وجود «ولی اقرب»، توسط «ولی ابعد»، صورت می‌گیرد، کدام است؟
- (۱) اگر با اذن زوجه باشد صحیح و الا باطل است.
 - (۲) اگر ولی ابعد، مجبر باشد صحیح و گرنه باطل است.
 - (۳) مطلقاً باطل است.
 - (۴) مطلقاً صحیح است.
- ۴۲- زوج خطاب به همسرانش می‌گوید: «إحداکن طالق» و هیچ یک را به عینه قصد نمی‌کند. در این خصوص کدام گزاره درست است؟
- (۱) آن که مدخول بها نیست طلاقش واقع می‌شود.
 - (۲) بنابر احتیاط طلاق همه واقع است به خاطر حرمت ابضاع.
 - (۳) طلاق هیچ کدام واقع نمی‌شود چون اصل، عدم وقوع طلاق است.
 - (۴) مبهماً یکی از زوجات، مطلقه می‌شود و تعیین بر عهده زوج است.

- ۴۳- اگر زوج، معسر و زوجه، موسر باشد، کدام گزاره دربارهٔ حکم نفقه و فطریهٔ زوجه درست است؟
 (۱) هم نفقه و هم فطریه زوجه، به‌عنوان دین بر ذمه زوج ثابت می‌شود.
 (۲) فطریه و نفقه زوجه هر دو از زوج ساقط است به دلیل قاعده عسر و حرج.
 (۳) نفقه زوجه به‌عنوان دین، بر ذمهٔ زوج ثابت است و فطریه بر عهده زوجه است.
 (۴) نفقه و فطریه زوجه از اساس ساقطند به دلیل عسر زوج و عدم تکلیف در پرداخت به زوجه.
- ۴۴- اگر زنی به شوهر خود بگوید: «إِن طَلَقْتَنِي فَأَنْتَ بَرِيءٌ مِنْ صَدَاقِي» و شوهر نیز او را طلاق دهد چه حکمی به او تعلق می‌گیرد؟
 (۱) خلع واقع می‌شود چون معلق به حاصل شده است.
 (۲) طلاق رجعی واقع می‌شود چون تعلیق خلع، جایز نیست.
 (۳) تنها طلاق رجعی واقع می‌شود چون تعلیق ابرا صحیح نیست.
 (۴) خلع واقع می‌شود و ذمه شوهر بری می‌شود چون معلق به، حاصل شده است.
- ۴۵- خلع در ایام عادت ماهیانه زوجه، چه حکمی دارد؟
 (۱) حرام است و باطل.
 (۲) حرام است و واقع می‌شود.
 (۳) جایز است و واقع می‌شود.
 (۴) اگر خلع اجنبی باشد، باطل است.
- ۴۶- پس از ایلای زوج و سپری شدن چهارماه، زوج نه به طلاق راضی می‌شود و نه همبستری. اگر قاضی حکم به تفریق زوجین نماید، ماهیت این تفریق کدام است؟
 (۱) فسخ است.
 (۲) یک طلاق رجعی است.
 (۳) طلاق بائن است بینونت صغری.
 (۴) طلاق بائن است بینونت کبری.
- ۴۷- اگر پاکبان شهرداری زباله را در مسیر رفت‌وآمد قرار داده و منجر به فوت کسی شود، کدام حکم در مورد پاکبان صادق است؟
 (۱) در صورت تعمد ضامن است.
 (۲) ضامن نیست چون مباشر نیست.
 (۳) ضامن است چون عمل او منجر به فوت شده است.
 (۴) در صورت تعمد و قتاله‌بودن آن زباله ضامن است.
- ۴۸- اگر با قسامه قتل عمد بر فردی ثابت شود، کدام گزاره در مورد نوع دیه و پرداخت‌کنندگان آن صحیح است؟
 (۱) دیه خطا بر عاقله ثابت می‌شود.
 (۲) دیه شبه عمد بر عاقله ثابت می‌شود.
 (۳) دیه شبه عمد بر مقسم‌علیه واجب می‌شود.
 (۴) دیه عمد بر مقسم‌علیه واجب می‌شود.
- ۴۹- در کدام مورد حد سرقت اجرا می‌شود؟
 (۱) سرقت درب مسجد
 (۲) سرقت فرش مسجد
 (۳) سرقت فقیر از اموال بیت‌المال
 (۴) سرقت دائن از مال مدیون از غیرجنس دین
- ۵۰- کدام مورد دربارهٔ مجازات تبعید در زنا درست است؟
 (۱) اصل تبعید و فاصله مکان تبعید از اختیارات قاضی است.
 (۲) تبعید، مختص حالتی است که زنا با بیینه ثابت شده است.
 (۳) تبعید اختصاص به مردان دارد و در مورد زنان اعمال نمی‌شود.
 (۴) فاصله محل تبعید زانی با محل اقامت وی، باید حداقل به اندازه مسافت قصر نماز باشد.
- ۵۱- کدام گزاره دربارهٔ «خواندن نماز در مکان غضبی» دقیق‌تر است؟
 (۱) صحیح است زیرا مطلق امر، آن را در برمی‌گیرد.
 (۲) صحیح نیست زیرا این عمل، دارای دو جهت است.
 (۳) چنانچه نماز، فرض باشد صحیح است اما اگر نافله باشد خیر.
 (۴) صحیح نیست زیرا در آن واحد، مطلوب‌الترک، نمی‌تواند مطلوب‌الفعل هم باشد.

- ۵۲- کدام مورد درست است؟
- (۱) مانع، وصف وجودی معرف نقیض حکم است.
 - (۲) اداء، انجام تمام واجب در وقت مقدر آن است.
 - (۳) مانع، وصف وجودی یا عدمی معرف نقیض حکم است.
 - (۴) رخصت، تغییر حکم شرعی است به تبع زوال سبب آن
- ۵۳- به کدام دلیل خواندن نماز در اوقات مکروه، صحیح نیست؟
- (۱) مطلق امر، مکروه را در بر نمی‌گیرد.
 - (۲) نماز، تقرب است و قصد قربت با نهی، جمع نمی‌شود.
 - (۳) اصل در عبادات، عدم مشروعیت است مگر خلافش ثابت شود.
 - (۴) تأکید شارع بر اجتناب از منهیات، بیش از انجام مأمورات است.
- ۵۴- کدام مورد درباره خطابات شرعیه درست است؟
- (۱) مطلقاً به معدوم تعلق نمی‌گیرند.
 - (۲) به صورت منجز به معدوم تعلق می‌گیرند.
 - (۳) به صورت معنوی به معدوم تعلق می‌گیرند.
 - (۴) به تبع موجود و به نحو منجز به معدوم تعلق می‌گیرند.
- ۵۵- از نظر شافعی، کدام مورد درباره ملاک کذب خبر درست است؟
- «عدم مطابقت خبر با»
- (۱) واقعیت خارجی
 - (۲) عقیده راوی آن
 - (۳) عقیده راوی و نبود قرائن خارجی
 - (۴) واقعیت خارجی و عقیده راوی خبر
- ۵۶- در کدام مورد ترتیب قوت «مستند غیر صحابی» به درستی رعایت شده است؟
- (۱) مناوله - وصیت - وجاده - اعلام
 - (۲) مناوله - اعلام - وصیت - وجاده
 - (۳) وصیت - اعلام - مناوله - وجاده
 - (۴) وجاده - وصیت - مناوله - اعلام
- ۵۷- کدام مورد درباره صحت حدیثی که مفاداً موافق اجماع علماست، درست است؟
- (۱) موافقت با اجماع مطلقاً دلیل صحت حدیث است.
 - (۲) موافقت با اجماع مطلقاً دلیل صحت حدیث نیست.
 - (۳) اگر در ضمن اجماع به حدیثی استناد شده باشد، حدیث، صحیح محسوب می‌شود.
 - (۴) اگر اجماع، مستند شرعی دیگری نداشته باشد، حدیث، صحیح محسوب می‌شود.
- ۵۸- اگر اجماع سکوتی منعقد شده و سکوت ساکنان، مجرد از قرینه «رضا» یا «عدم رضا» باشد، چه حکمی دارد؟
- (۱) نه اجماع است و نه حجت
 - (۲) اجماع است و حجت
 - (۳) حجت است ولی اجماع نیست.
 - (۴) فقط به شرط انقراض عصر، حجت است.
- ۵۹- درباره «جواز انعقاد اجماع در عصر پیامبر (ص)» کدام مورد صحیح‌تر است؟
- (۱) انعقاد مطلقاً
 - (۲) عدم انعقاد مطلقاً
 - (۳) عدم جواز انعقاد در مدینه و جواز آن در خارج مدینه
 - (۴) جواز انعقاد در فروع فقهی و عدم جواز در مسائل اعتقادی

- ۶۰- از نظر جمهور، کدام مورد درباره «تعلیل حکم شرعی به دو علت» درست است؟
 (۱) مطلقاً درست است.
 (۲) مطلقاً درست نیست.
 (۳) صرفاً در علل منصوصه صحیح است.
 (۴) اگر علت مستنبطه باشد صحیح است.
- ۶۱- در خصوص «علت»، کدام مورد از نظر جمهور اهل سنت درست است؟
 (۱) به اذن شارع، مؤثر در تشریح حکم است.
 (۲) باعث تشریح حکم شرعی است.
 (۳) در تشریح حکم، مؤثر بالذات است.
 (۴) معرف حکم شرعی است.
- ۶۲- از نظر اصولیین شافعیه، قیاس در کدام یک از ابواب فقه حجت شرعی است؟
 (۱) در همه ابواب فقه جز در حدود و کفارات.
 (۲) در همه ابواب فقه جز در اصول عبادات.
 (۳) قیاس جلی در همه ابواب و قیاس ادنی جز در عبادات و عقوبات.
 (۴) قیاس منصوص العله در همه ابواب و قیاس مستنبط العله در همه ابواب جز در اصول عبادات.
- ۶۳- کدام تعبیر در مورد «مقیس» صحیح تر است؟
 (۱) قاله الله و رسوله
 (۲) قاله الله
 (۳) قاله الرسول
 (۴) إنه دین الله
- ۶۴- کدام مورد درباره سبر و تقسیم، درست است؟
 (۱) دوران حکم با علت وجوداً و عدماً.
 (۲) اثبات علت در فرع برای قیاس آن بر اصل.
 (۳) مقارنت وصف منصوص یا مستنبط با حکم شرعی.
 (۴) حصر اوصاف موضوع حکم و ابطال اوصاف نامناسب.
- ۶۵- تمسک به «اقل ما قیل» در صورت نبود دلیل، چه حکمی دارد؟
 (۱) فقط در امور دینی صحیح است.
 (۲) فقط در امور دنیوی جایز است.
 (۳) فقط در امور عقلی جایز است.
 (۴) مطلقاً صحیح است.
- ۶۶- رضاع در رابطه با عقد نکاح، چگونه علتی است؟
 (۱) فقط دافع
 (۲) فقط رافع
 (۳) دافع و رافع
 (۴) نه دافع و نه رافع
- ۶۷- اگر در نصی «به علت حکم، تصریح شده باشد»، در این خصوص، کدام مورد درست است؟
 (۱) امر به قیاس است در جانب فعل.
 (۲) امر به قیاس است در جانب کف.
 (۳) امر به قیاس محسوب نمی شود.
 (۴) امر به قیاس است هم در جانب فعل و هم در جانب کف.
- ۶۸- از نظر جمهور علما نهی از یک فعل بعد از وجوب آن فعل، بر چه چیزی دلالت می کند؟
 (۱) اباحت آن فعل
 (۲) کراهت آن فعل
 (۳) تحریم آن فعل
 (۴) اسقاط وجوب آن فعل
- ۶۹- از نظر اصولیان شافعیه، کدام مورد درباره حرف «لن» صحیح است؟
 (۱) مفید تأکید نفی است ولی مفید تأبید آن نیست.
 (۲) هم مفید تأکید نفی است و هم مفید تأبید آن.
 (۳) نه مفید تأکید نفی است و نه مفید تأبید آن.
 (۴) مفید تأبید نفی است ولی مفید تأکید آن نیست.
- ۷۰- حرف «باء» در آیه شریفه «... و من اهل الكتاب من ان تأمنه بدینار لا یؤده الیک ...» در کدام معنی استعمال شده است؟
 (۱) مقابله
 (۲) بدلیت
 (۳) استعلاء
 (۴) مصاحبت

- ۷۱- در باب مقایسه «کنایه» و «تعریض» کدام گزاره صحیح تر است؟
- (۱) کنایه، لفظ مرکب است ولی تعریض، لفظ بسیط.
 - (۲) تعریض و کنایه دو لفظ مترادف برای یک مفهوم هستند.
 - (۳) تعریض در ابواب فقهی جریان دارد ولی کنایه در اصول فقه.
 - (۴) کنایه، حقیقت است ولی تعریض می‌تواند حقیقت یا مجاز باشد.
- ۷۲- اگر حکم عام بر سببی خاص وارد شده باشد، کدام مورد درست است؟
- (۱) شمول عام بر سبب خاص خود قطعی است.
 - (۲) شمول عام بر سبب خاص خود ظنی است.
 - (۳) اخراج سبب خاص از شمول عام، از طریق اجتهاد جایز است.
 - (۴) اگر قرینه تعمیم وجود نداشته باشد، اخراج صورت خاص از طریق اجتهاد جایز است.
- ۷۳- آیا قبل از تحقیق درباره وجود یا عدم مخصّص، می‌توان به عموم قرآن یا سنت عمل کرد؟
- (۱) علی الاطلاق نمی‌توان عمل کرد.
 - (۲) علی الاطلاق می‌توان عمل کرد.
 - (۳) در عقوبات و مناکحات نمی‌توان عمل کرد.
 - (۴) در آنچه متضمن مفاسد و مضرات است نمی‌توان عمل کرد.
- ۷۴- کدام گزینه درباره مدلول عام درست است؟
- (۱) کلیه است.
 - (۲) کلی است.
 - (۳) کل است.
 - (۴) گاهی کلیه و گاهی کلی است.
- ۷۵- اگر کسی در مقام ادای شهادت بگوید که فلان بن فلان وکیل مدعی است، حکم قضیه از نظر اصولی و فقهی کدام است؟
- (۱) از نظر فقهی شهادت به وکالت است فقط.
 - (۲) از نظر اصول شهادت به وکالت است فقط.
 - (۳) از نظر اصولی هم شهادت به وکالت است و هم شهادت به نسب.
 - (۴) از نظر اصولی و فقهی شهادت به وکالت است و اگر دلیل معارض وجود نداشته باشد شهادت به نسب هم محسوب می‌شود.
- ۷۶- در صورت نسخ حکم اصل، تکلیف حکم فرعی که بر آن قیاس شده، کدام است؟
- (۱) حکم فرع هم تبعاً فسخ می‌شود.
 - (۲) حکم فرع به قوت خود باقی است.
 - (۳) بستگی به کیفیت دلالت دلیل فسخ دارد.
 - (۴) حکم فرع در عبادات تبعاً فسخ می‌شود و در سایر مسائل به قوت خود باقی است.
- ۷۷- کدام مورد جزء موانع حجیت مفهوم مخالفه محسوب نمی‌شود؟ اگر حکم منطوق
- (۱) ناظر به موارد غالب باشد.
 - (۲) ناظر به واقعه خاصی باشد.
 - (۳) ناظر به سؤال خاصی باشد.
 - (۴) موافق با واقعیت خارجی باشد.
- ۷۸- کدام مورد در خصوص اختلاف مجتهدان، صحیح است؟
- (۱) در عقلیات، مصیب، واحد و مخطی گاه کافر است.
 - (۲) در نقلیات، مصیب، غیرواحد و مخطی، مأجور است.
 - (۳) در عقلیات، مصیب غیرواحد و مخطی، نهایتاً آثم است.
 - (۴) در نقلیات، مصیب، واحد و مخطی، معذور غیرمأجور است.

۷۹- تعریف «حمل الظاهر علی المحتمل المرجوح» بر کدام مورد، صادق است؟

(۱) مجاز

(۲) کنایه

(۳) تعریض

(۴) تأویل

۸۰- کدام مورد درباره وقوع تکلیف به محال، صحیح است؟

(۱) تنها تکلیف به ممتنع بالذات واقع شده است.

(۲) تنها تکلیف به ممتنع بالغير، واقع شده است.

(۳) تکلیف محال بالغير و محال بالذات واقع شده است.

(۴) نه تکلیف به محال بالغير واقع شده است و نه تکلیف به محال بالذات.

